



در مسئولیت و تأثیر آن



♦ دکتر عباس زراعت

(دانشیار گروه حقوق دانشگاه کاشان)

قسمت دوم

دیدگاه مکاتب کیفری در مورد انگیزه

ارتکاب جرم

مکاتب کیفری در مورد انگیزه ارتکاب جرم دیدگاههای متفاوتی دارند و در مجموع، این دیدگاه‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دیدگاه نخست آن است که برای تحقق عنصر معنوی جرم، صرفاً اراده مرتکب و آگاهی او از ممنوع بودن عمل کفایت می‌کند؛ یعنی همین که مرتکب بداند فعل یا ترک فعل او عملاً قانون جزا را نقض می‌کند و خواهان چنین نتیجه‌ای باشد، قصد مجرمانه محقق شده است. دانشمندان مکتب کلاسیک، مدافعان اصلی این دیدگاه هستند.

دیدگاه دیگر آن است که صرف قصد ارتکاب عملی ممنوع را نمی‌توان برای تحقق عنصر معنوی جرم کافی دانست، بلکه باید به انگیزه مرتکب نیز توجه داشت؛ زیرا در پشت پرده قصد مجرمانه، انگیزه‌ای نهفته است که شخص را وادار می‌کند به سوی ارتکاب جرم

حرکت کند و آنچه که در مجازات یا عدم مجازات مرتکب تأثیر دارد همین انگیزه می‌باشد.^(۱)

مبنای اختلاف این دو دیدگاه، نگرش ذهنی و عینی به جرم است. با این توضیح که مکتب کلاسیک در مسئول شناختن مجرم به نتیجه عمل او و ضرری که به جامعه وارد می‌کند توجه دارد؛ یعنی همین که فعل یا ترک فعلی عملاً نظم جامعه را برهم زد باید فاعل آن را مجازات کرد؛ زیرا نفع اجتماعی بر هر چیزی مقدم است. برعکس، مکتب تحقیقی نگرش ذهنی دارد. با این توضیح که برای مسئول شناختن مرتکب باید به خطرناک بودن یا خطرناک نبودن وی توجه داشت و این مسئله را تنها می‌توان از طریق انگیزه مرتکب به دست آورد.

پزشکی که بیمار خود را در رنج و عذاب می‌بیند و بیمار به او التماس می‌کند که خلاصش کند و پزشک یقین دارد که بیمار تا چند روز دیگر بیشتر زنده نمی‌ماند، بنابراین

از روی حس انسان دوستی و خیرخواهی به حیات بیمار خاتمه می‌دهد او را از عذاب دردناکی رها می‌سازد، آیا عمل این پزشک برای جامعه خطرناک است و همچون قاتل عمدی باید او را قصاص کرد و آیا این شخص از نظر میزان مسئولیت مانند شخصی است که با انگیزه‌های پست مادی روی دیگری اسلحه می‌کشد و او را به قتل می‌رساند؟

مکتب کلاسیک به این پرسش، پاسخ مثبت می‌دهد و هر دو مجرم را دارای مسئولیت کیفری می‌داند؛ زیرا قتل عمد، قتل عمد است و قانونگذار هر دو قتل را به یک اندازه ممنوع کرده است. بنابراین مرتکب، در هر دو صورت با علم و آگاهی دست به چنین اقدامی می‌زند و می‌داند که عمل ارتكابی او از نظر قانون، حرام و ممنوع است. اما مکتب تحقیق میان این دو قاتل، تفاوت می‌نهد و قاتل اول را فقط از نظر عنصر مادی قاتل می‌داند، اما از نظر عنصر معنوی، این شخص قاتل نیست؛ زیرا سوء نیت صرف، قصد قتل نیست، بلکه باید





دید قصد قتل با چه منظور و انگیزه‌ای صورت گرفته است. اگر قاتل، انگیزه خیر خواهانه و اجتماعی داشته باشد نباید او را به مجازات قتل عمد محکوم کرد؛ زیرا وی مجرم خطرناکی نیست که عمل او نظم جامعه را برهم ریخته باشد و جامعه نیز تأکیدی ندارد که چنین شخصی را مجازات نماید.

به نظر می‌رسد راه مناسب همان است که قوانین موضوعه پیموده‌اند؛ یعنی هیچ یک از این دو نظریه را به صورت مطلق قبول نکرده‌اند. طبیعی است که این دو مجرم از نظر میزان مسئولیت یکسان نیستند، اما تفاوت آنها در حدی نیست که یکی را بکلی مبرا از مسئولیت کند، بلکه دادگاه باید مجازات یکی را تخفیف و مجازات دیگری را تشدید نماید. البته نظر شخص مجرم نیز در این زمینه قابل اتباع نیست و گرنه هر مجرمی ممکن است چنین ادعایی را بنماید. پس برای احصای مواردی که انگیزه، مؤثر در مسئولیت است باید به قانون مراجعه کرد و دادگاهها نیز فقط در حدود کشف انگیزه اختیار دارند.

انگیزه و سوء نیت در حقوق کیفری

اسلام

سیاست کیفری که سیستم حقوقی اسلام در حدود، قصاص و دیات اتخاذ کرده است با سیاست کیفری در تعزیرات تفاوت دارد. بنابراین، برای بررسی تأثیر انگیزه در مسئولیت کیفری باید میان این دو گروه از جرایم تفکیک کرد.

در جرایم مستوجب حد، قصاص و دیه، مجازات‌هایی که از سوی شارع در نظر گرفته شده است، مجازات‌های ثابتی می‌باشد که قابل تشدید یا تخفیف یا تعلیق نیست مگر در موارد محدودی که قانون پیش بینی کرده است. بنابراین، دادگاه حق ندارد با احراز انگیزه شرافتمندانه، مجازات را کم یا زیاد کند؛ مثلاً هرگاه شخص مسلمانی مشروبات الکلی بنوشد، مجازات او هشتاد تاز یانه است (ماده

۱۷۴ قانون مجازات اسلامی) و دادگاه نمی‌تواند به استناد اینکه متهم سابقه شرب خمر ندارد، به جای هشتاد ضربه شلاق حکم به هفتاد ضربه شلاق بدهد. شخصی که مرتکب قتل عمد می‌شود محکوم به قصاص است و نمی‌توان گفت که مثلاً چون قاتل تحت تأثیر تحریک مقتول دست به این کار زده است پس، مجازات او به حبس ابد تقلیل می‌یابد. کسی که مرتکب قتل غیر عمدی می‌شود باید دیه کامل بپردازد و دادگاه حق ندارد با این استناد که قاتل برای نجات جان مقتول تلاش زیادی کرده است دیه را کاهش دهد. همان‌گونه که میزان مجازات در این جرایم به صورت تعبدی است، کیفیت اعمال مجازات و قواعد دیگر آن را نیز شارع تعیین کرده است. بنابراین، دادگاه وقتی وقوع جرمی را احراز کرد و مرتکب دارای شرایط عمومی مسئولیت کیفری بود ناچار است که مجازات شرعی را مورد حکم قرار دهد مگر اینکه شارع خود در موردی انگیزه را مؤثر دانسته باشد؛ مانند شرب خمیری که با انگیزه نجات جان صورت گرفته باشد. (ماده ۱۶۷ قانون مجازات اسلامی) یا سرقتی که در سال قحطی و برای

نجات از گرسنگی باشد. (ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی) تعیین قواعدی که بر تعزیرات حاکم است همچون اصل جرم تعزیری و مجازات آن، بر عهده حاکم، یعنی قانونگذار نهاده شده است (ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی) و قانونگذار نیز در این زمینه معمولاً تحت تأثیر قواعد و اصول علمی قرار گرفته است. بنابراین، همان‌گونه که در مواد اول تا شصت و دوم قانون مجازات اسلامی ملاحظه می‌کنیم، قواعد حاکم بر جرایم تعزیری مانند تخفیف، تشدید، تعلیق مجازات و آزادی مشروط عموماً همان قواعدی است که در قوانین موضوعه کشورهای دیگر نیز وجود دارد. بنابراین، قانونگذار اسلامی نیز در این زمینه همچون سایر قانونگذاران به مسئله انگیزه توجه داشته است و در برخی موارد، آن را موجب تخفیف مجازات، در برخی موارد موجب تشدید مجازات و در برخی موارد سبب تعلیق مجازات و حتی در مواردی آن را از عوامل سلب مسئولیت کیفری قرار داده است: «در تعزیرات، شارع حق اعتبار دادن انگیزه‌ها را در انتخاب مجازات و مقدار آن به قاضی داده است. بنابراین، انگیزه از جهت عملی در مجازات‌های تعزیری مؤثر است و در غیر این مجازات‌ها اثری ندارد و این بدان علت است که مجازات‌های جرایم تعزیری، معین نیست و قاضی در آن مجازات‌ها، دارای آزادی وسیعی است. قاضی حق دارد که نوع مجازات را انتخاب و مقدار آن را تعیین نماید. بنابراین، اگر قاضی با توجه به انگیزه‌ها، مجازات را تخفیف دهد یا تشدید نماید، در محدوده حق خود عمل کرده و از محدوده اختیار خود خارج نشده است.»^(۱) البته در حال حاضر وضعیت بدان‌گونه نیست که این مؤلف گفته و گروهی از حقوق دانان نیز اعتقاد به آن دارند، بلکه دادگاهها دارای چنین اختیار وسیعی نیستند که بتوانند جرم و مجازات را تعیین کنند، بلکه این مسئله در صلاحیت انحصاری

مکتب کلاسیک در مسئول

شناختن مجرم به نتیجه عمل

او و ضروری که به جامعه وارد

می‌گندتوجه دارد؛ یعنی همین

که فعل یا ترک فعلی عملاً

نظم جامعه را برهم زد باید

فاعل آن را مجازات کرد؛ زیرا

نفع اجتماعی بر هر چیزی مقدم

است. برعکس، مکتب تمققی

نگرش ذهنی دارد.

قوه مقننه است (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) اما اختیار دادگاهها در مورد تشدید یا تخفیف یا تعلیق مجازات، غیر قابل انکار است که البته این تمایزی که میان تعزیرات و غیرتعزیرات وجود دارد قابل انتقاد است و توجیه استواری برای آن وجود ندارد.

تفکیک میان جرایم تعزیری از نظر تأثیر انگیزه و بسیاری از ویژگیهای دیگر، اختصاص به حقوق کیفری اسلام دارد و در سایر سیستمهای حقوقی چنین تفکیکی به عمل نیامده است و این امر از دیدگاه علمی و قواعداً مرسوم قابل دفاع نیست؛ اما حقوق دانان اسلامی با تکیه بر نظریه تعبدی بودن احکام، جرایم غیرتعزیری آن را توجیه کرده اند.

رابطه انگیزه و سوء نیت خاص

سوء نیت عام یا قصد مجرمانه، اراده آگاهانه نقض قانون جزاست که وجود آن در همه جرایم (بجز جرایم صرفاً مادی) ضروری و لازم است؛ اما در برخی جرایم، علاوه بر این سوء نیت، به یک سوء نیت یا قصد خاصی هم نیاز است که اصطلاحاً سوء نیت خاص نامیده می شود. سوء نیت خاص هم جزو ارکان جرم می باشد و مانند سوء نیت عام اگر وجود نداشته باشد جرم می محقق نمی شود. مثلاً ماده (۴۹۸) قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوان تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.» در این ماده و مواد (۵۰۵)، (۵۱۰) و (۵۱۲) قانون مجازات اسلامی، «قصد برهم زدن امنیت کشور» به عنوان سوء نیت خاص بیان شده است؛ یعنی مرتکب علاوه بر اینکه قصد مجرمانه و سوء نیت دارد باید قصد برهم زدن امنیت کشور را نیز داشته باشد. در این موارد، عنصر معنوی و روانی جرم مرکب از دو جزء است:

دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض می باشد.

تبصره ۱- کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچ فردی نشود محارب نیست.

تبصره ۲- اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصی به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی شود.

تبصره ۳- میان سلاح سرد و گرمی فرقی نیست.

در این ماده دو مورد علاوه بر سوء نیت عام بیان شده است که در تشکیل عنصر معنوی دخالت دارد: یکی «قصد ایجاد عیب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم» است و دیگری «انگیزه عداوت شخصی» می باشد. عنصر اولی موجب تحقق عنوان مجرمانه محاربه می شود و عنصر دومی موجب عیب و هراس و سلب آزادی و امنیت عمومی مردم است. بنابراین، تبصره دوم بیانگر مفهوم مخالف متن ماده است و مطلب جدیدی را بیان نمی کند.

ماده (۱۸۲): «هر فرد یا گروهی که برای مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد در زمین دست به اسلحه ببرند محارب نیستند.» در این ماده «قصد مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد در زمین» به عنوان عنصر معنوی خاص پیش بینی شده است که تحقق آن سبب می شود عنوان مجرمانه محاربه از بین برود. بنابراین، اگر کسی عمداً محارب را بکشد یا صدمه ای بر او وارد سازد مسئولیت ندارد؛ زیرا قصد او مبارزه با محاربان بوده است و قانونگذار چنین قصدی را مؤثر در مسئولیت دانسته است؛ یعنی انگیزه ای که موجب زوال وصف کیفری می شود، و از ظاهر ماده نیز نباید چنین استنباط شود که فقط عنوان محاربه از بین می رود و ممکن است عناوین دیگر همچون قتل عمد باقی باشد.

ماده (۱۹۸): «سرقه در صورتی موجب

✓ **در جرایم مستوجب حد، قصاص و دیه، مجازاتهایی که از سوی شارع در نظر گرفته شده است، مجازاتهای ثابتی می باشد که قابل تشدید یا تخفیف یا تعلیق نیست مگر در موارد معدودی که قانون پیش بینی کرده است. بنابراین، دادگاه حق ندارد با اهراز انگیزه شرافتمندانه، مجازات را کم یا زیاد کند.**

یک جزء آن سوء نیت عام است که در همه جرایم وجود دارد و یک جزء آن قصد خاص است که تکمیل کننده قصد عام می باشد، به گونه ای که اگر این قصد خاص وجود نداشته باشد جرم مورد نظر قانونگذار تحقق نخواهد یافت یا عنوان آن تغییر پیدا خواهد کرد. سوء نیت خاص نیز مانند انگیزه، گاهی در از بین رفتن عنوان مجرمانه تأثیر دارد (مانند قصد اضرار که اگر در جرم افترا وجود نداشته باشد جرم محقق نمی شود) و گاهی عنوان مجرمانه تغییر می کند (مانند عدم قصد مقابله با حکومت که در جرایم علیه امنیت کشور موجب خروج جرم از عنوان محاربه می شود) بنابراین، نکته ای که در اینجا به ذهن خطور می کند، آن است که رابطه میان انگیزه و سوء نیت خاص چیست؟

برای آشنایی با این رابطه لازم است ابتدا به مهم ترین جرایمی که در قانون مجازات اسلامی با سوء نیت خاص پیش بینی شده است اشاره کنیم:

ماده (۱۸۳): «هرکس که برای ایجاد عیب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم





حدمی شود که دارای کلیه شرایط و خصوصیات زیر باشد:

۱- سارق
۱۰- سارق مضطر نباشد.

....
۱۲- سرقت در سال قحطی صورت نگرفته باشد.
.....

در این ماده، سرقت از روی اضطرار و سرقتی که با انگیزه نجات جان در سال قحطی صورت نگرفته باشد عنوان سرقت حدی نخواهد داشت. در اینجا هم بهتر است قصد نجات جان را از مصادیق انگیزه بدانیم که تفصیل آن در بحث اضطرار بیان خواهد شد.

ماده (۴۹۸): «هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه، جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.»

ماده (۵۰۳): «هرکس به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذی صلاح در حال نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند به شش ماه تا سه سال محکوم می شوند.»

ماده (۵۰۴): «هرکس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند، در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می شود و الا چنانچه اقدامات وی مؤثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه

سال حبس محکوم می شود.»

ماده (۵۱۰): «هرکس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مأمور تفتیش یا وارد کردن هرگونه لطمه به کشور بوده اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنها بشود به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود.»

ماده (۵۱۱): «هرکس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی تهدید به بمب گذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نماید یا ادعا نماید که وسایل مزبور بمب گذاری شده است، علاوه بر جبران خسارت وارده به دولت و اشخاص به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می گردد.»

ماده (۵۱۲): «هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یا یگدیگر اغوا یا تحریک کند صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می گردد.»
در این ماده و مواد (۵۰۵)، (۵۱۰) و (۵۱۱) (قصد برهم زدن امنیت کشور) به عنوان

در تعزیرات، شارع حق اعتبار دادن انگیزها را در انتساب مجازات و مقدار آن به قاضی داده است. بنابراین، انگیزه از جهت عملی در مجازاتهای تعزیری مؤثر است و در غیر این مجازاتها اثری ندارد و این بدان علت است که مجازاتهای جرایم تعزیری، معین نیست و قاضی در آن مجازاتها، دارای آزادی وسیعی است.

سوء نیت خاص پیش بینی شده است، به گونه ای که اگر این عنصر معنوی وجود نداشته باشد جرمی هم محقق نخواهد شد. در اینجا نیز ممکن است گفته شود که قصد برهم زدن امنیت کشور، انگیزه محسوب می شود که از سوی قانونگذار مؤثر در مسئولیت دانسته شده است؛ اما حقوقدانان آن را از مصادیق سوء نیت دانسته اند.

در ماده (۵۰۳) قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی، به عنوان سوء نیت خاص پیش بینی شده است که در صورت فقدان چنین قصدی جرم مزبور محقق نخواهد شد.

در ماده (۵۰۴) قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را عنصر اختصاصی جرم محاربه دانسته است، به گونه ای که اگر این عنصر وجود نداشته باشد عنوان مجرمانه تغییر می کند.

ماده (۵۱۹): «هرکس به قصد تقلب به هر نحوه از قبیل تراشیدن، بریدن و نظایر آن از مقدار مسکوکات طلا یا نقره ایرانی یا خارجی بکاهد یا عالمأ در ترویج این قبیل مسکوکات شرکت یا آن را داخل کشور نماید به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود.»
در این ماده "قصد تقلب" به عنوان سوء نیت خاص در نظر گرفته شده است و این قصد جزء ارکان جرم است.

ماده (۵۲۳): «جعل و تزویر عبارتند از ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگر یا به کاربردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب.»
تقلب به معنای وارونه جلوه دادن واقعیت است؛ بنابراین در تقلب، قصد وارونه جلوه دادن واقعیت، عنصر معنوی جرم می باشد و اگر این قصد وجود نداشته باشد جرم جعل

محقق نمی‌شود؛ مانند اینکه مرتکب با هدف تمرین در مشابه سازی، نوشته‌ای را جعل نماید.

ماده (۵۶۲): «هرگونه حفاری و کاوش به قصد به دست آوردن اموال تاریخی - فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و ضبط اشیاء مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی و آلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می‌شود.....»
در اینجا نیز «قصد به دست آوردن» اموال تاریخی و فرهنگی رکن معنوی و اختصاصی جرم است. بنابراین، اگر عنصر مادی حفاری با این قصد صورت نگیرد جرم موضوع این ماده تحقق نخواهد یافت.

ماده (۵۷۸): «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند و او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد...» قصد «مجبور کردن متهم به اقرار» سوء نیت خاص این جرم است و اگر این قصد وجود نداشته باشد اذیت و آزار بدنی متهم مشمول عناوین دیگر مانند عنوان (ضرب و ششم عمدی) قرار خواهد گرفت.

ماده (۶۴۰): «اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد:

۱- هرکس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار سینما و به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد....» در این ماده تصریح شده است که قصد (تجارت یا توزیع) عنصر اختصاصی جرم می‌باشد اما برخی از دادگاهها از این ظهور پیروی نکرده و نگهداری این اشیا را به

هر قصدی که صورت می‌گرفت قابل مجازات می‌دانستند تا اینکه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۴۵ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۳ رویه این دادگاهها را باطل اعلام کرد: «نظر به اینکه برطبق ماده (۶۴۰) قانون مجازات اسلامی که به موجب ماده (۷۲۹) همان قانون، کلیه مقررات مغایر با آن ملغی شده، نگهداری طرح، نقاشی، نوار سینما و ویدئو یا به طور کلی هر چیزی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید در صورتی که به منظور تجارت و توزیع باشد جرم محسوب می‌شود. بنابراین، صرف نگهداری وسایل مزبور در صورتی که تعداد آن معدّ برای امر تجاری و توزیع نباشد از شمول ماده (۶۴۰) قانون، مذکور خارج بوده و فاقد جنبه جزایی است.»

ماده (۶۷۵): «هرکس عمدتاً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معدّ برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغهای متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.»

✓ سوء نیت فاص نیز مانند انگیزه، گاهی در از بین رفتن عنوان مجرمانه تأثیر دارد (مانند قصد اضرار که اگر در جرم افترا وجود نداشته باشد جرم محقق نمی‌شود) و گاهی عنوان مجرمانه تغییر می‌کند (مانند عدم قصد مقابله با حکومت که در جرایم علیه امنیت کشور موجب فروج جرم از عنوان مهاربه می‌شود) بنابراین، نکته‌ای که در اینجا به ذهن فطور می‌گردد، آن است که رابطه میان انگیزه و سوء نیت فاص چیست؟

تبصره ۱- اعمال فوق در این فصل در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت....»
قصد (مقابله با حکومت اسلامی) سوء نیت خاص این جرم می‌باشد.

ماده (۶۹۸): «هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاضر مادی یا معنوی به غیر وارد شود علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود.» قصد اضرار به غیر، عنصر معنوی خاص این جرم است و اگر عنصر مادی نشر اکاذیب با قصد اضرار نباشد قابل تعقیب کیفری نخواهد بود.

ماده (۶۹۹): «هرکس عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل، شخص مزبور تعقیب گردد پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.»
در این ماده نیز (قصد متهم نمودن دیگری) به عنوان سوء نیت خاص پیش‌بینی شده است و اگر مرتکب، چنین قصدی نداشته باشد به عنوان مفتری قابل تعقیب نخواهد بود.

ماده (۷۱۹): «هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته باشد و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا



